

## «عوارف المعارف» در شبه قاره

شواهدی چند در رواج آن کتاب تا پایان قرن هشتم هجری

نوشته عارف نوشاهی (پاکستان)

عوارف المعارف تألیف شیخ الشیوخ شهاب الدین عمر بن محمد سهروردی در گذشته ۶۳۲ هـ، که یکی از امهات متون عرفانی است، چگونه از عراق به شبه قاره پاکستان و هند رسید؟ چگونه در این سرزمینها رواج و حسن قبول یافت؟ چه طبقاتی از مشایخ طریقت شبه قاره آن را می خواندند؟ و در چه خانقاههایی این کتاب تدریس می شد؟ ما سعی کرده ایم که پاسخ این پرسشها را از لابه لای اوراق کهن تاریخ جستجو کنیم و شواهدی چند از رواج این کتاب در شبه قاره تا دو قرن پس از تألیفش به دست دهیم. البته عوارف پس از قرن هشتم نیز در شبه قاره تداول داشته است و شرحها و حاشیه ها و ترجمه های آن نگاشته شده است؛ اما بررسی ما از قرن هشتم هجری فراتر نخواهد رفت.

در انتقال و ترویج افکار شیخ الشیوخ از عراق به شبه قاره قطعاً تلاشهای خلفا و مریدان او در شبه قاره مؤثر بوده است. گفته شیخ الشیوخ: «خلفائی فی الهند کثیره»<sup>۱</sup> - خلفای من در هند بسیارند - در این مورد شایان توجه است. از میان مریدان بیواسطه او در شبه قاره می توان از شیخ ترک بیابانی

(دهلی)، شیخ ضیاء الدین رومی (دهلی) و قاضی حمید الدین ناگوری (دهلی)، شیخ جلال الدین تبریزی (بنگال)، شیخ بهاء الدین زکریا (ملتان)، مولانا محمد الدین محمد و سید نور الدین مبارک غزنوی نام بُرد. <sup>۲</sup> اگرچه در فهرست مذکور تمرکز سهروردیان در دهلی دیده می شود، اما در واقع محدوده تأثیر و نفوذ آنان در سند قدیم (پنجاب امروزی شامل شهرهای ملتان و اُچ) و کشمیر بوده است، چنانکه شاه ولی الله محدث دهلوی (م ۱۱۷۶ هـ) می گوید: «بالجمله طریقه قادریّه مشهورترین طُرق است در عرب و هندوستان؛ و سهروردیه در نواحی خراسان و کشمیر و سند».<sup>۳</sup>

### بهاء الدین زکریای ملتانی

شیخ بهاء الدین زکریای ملتانی (۵۶۶-۶۶۶ هـ) یکی از برجسته ترین مشایخ سهروردیه در شبه قاره است. خانقاه او در ملتان پاکستان واقع است. او در طی مسافرت‌هایی به خراسان، بخارا، مکه مکرمه و مدینه منوره از محضر بسیاری از مشایخ و علما بهره علمی و روحانی بُرد. او به خدمت شیخ الشیوخ نیز رسید و تا هفده روز در خدمت او ماند و از او خرقة و سجاده دریافت و به ملتان بازگشت. تذکره نویسان به اتفاق ملاقات شیخ الشیوخ و بهاء الدین را گزارش داده اند.<sup>۴</sup> شیخ بهاء الدین وقتی که به موطن رسید، پس از مدتی دوباره به قصد زیارت شیخ الشیوخ به راه افتاد، اما برادر طریقتی او شیخ جلال الدین تبریزی از پیش آمد او را باز گردانید و گفت که حکم شیخ الشیوخ هم چنین است که باز گردی.<sup>۵</sup> از اینجا می توان نتیجه گرفت که بین شیخ الشیوخ و بهاء الدین فقط یک بار ملاقات واقع شد که به قول تذکره نویسان در بغداد اتفاق افتاد.<sup>۶</sup>

در این صفحات اولین بار متن اجازه نامه ای چاپ می شود که شیخ الشیوخ در ۲۱ ذیحجه ۶۲۷ هـ

۲. خلیق احمد نظامی، تاریخ مشایخ چشت، اسلام آباد، ۱۳۹۶ هـ، ج ۱، ص ۱۷۹.

۳. ولی الله محدث دهلوی، انتباه فی سلاسل اولیاء الله، دهلی، ۱۳۱۱ هـ، ص ۹.

۴. نگاه کنید به: امیرحسین علاء سجزی، فراندالنواد (ملفوظات خواجه نظام الدین اولیاء بدایونی)، به تصحیح محمد لطیف ملک، لاهور، ۱۹۶۶ م، ص ۱۷؛ حامد بن فضل الله جمالی، سیر العارفين، ترجمه اردویی محمد ایوب قادری، لاهور، ۱۹۷۶ م، ص ۱۴۸-۱۴۷؛ شمیع محمود زیدی، احوال و آثار شیخ بهاء الدین زکریا ملتانی و خلاصه العارفين، راولپندی، ۱۹۷۴ م، ص ۱۵۹-۱۵۸.

۵. امیرحسین علاء سجزی، ص ۷۱.

۶. امیرحسین علاء سجزی، ص ۸-۱۴۷؛ حامد بن فضل الله جمالی، ص ۷-۱۴۵؛ عبدالرحمان جامی، نفعات الانس، به تصحیح محمود عابدی، تهران، ۱۳۷۰ ش، ص ۴۵-۵۰.

در حرم شریف مکه برای شیخ بهاء الدین نوشت. عادت شیخ الشیوخ بر این بود که هر سال از بغداد به نیت حج بیت الله به مکه می رفت. آخرین بار در ۶۲۸ هـ حج به جای آورد.<sup>۷</sup> رفتن شیخ بهاء الدین به مکه و کسب علم در آنجا و به جای آوردن حج را تذکره نویسان گزارش داده اند؛<sup>۸</sup> اما از هیچ یک تذکره ها معلوم نیست که آیا شیخ بهاء الدین در ۶۲۷ هـ (سال نگارش اجازه نامه) در مکه حضور داشته است یا نه. از مضمون اجازه نامه بر می آید که شیخ الشیوخ از دریافت خبر فیض رسانی شیخ بهاء الدین در هندوستان خوشوقت شد. او [چند سال پیشتر در بغداد] ملاقات با شیخ بهاء الدین را به خاطر داشت و او را صاحب استعداد یافت و با در نظر داشتن استعداد او به او اجازه داد که تمام مسموعات، مجازات و تحریرات او را روایت کند. نسخه عوارف را نیز به او داد تا آن را مطالعه کند و روایت کند.<sup>۹</sup> آیا شیخ الشیوخ این اجازه نامه را حضوراً به شیخ بهاء الدین داد یا به دست کسی از مکه برای او به هندوستان فرستاد؟ این نیز معلوم نیست.

هذه صورة اجازة الشيخ الامام شهاب الملة والدين  
السهروردي للشيخ بهاء الدين زكريا<sup>۱۰</sup> قدس سرهما

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوة على رسوله محمد وآله الطيبين الطاهرين. لقد استبشرت بما منح الله للشيخ الاجل العالم العارف بهاء الحق والدين زين الاسلام جمال الفرق زكريا بن محمد زادة الله تعالى من فضله وبلغني ما انتشر في الناس في نواحي وطنه من بركة صحبته والله تعالى منحه الحظ الكبير بالصحبته اليسير لما كان عنده من حسن الاستعداد فنفعه الله تعالى بالصحبته ونفع به وقد سألت الله تعالى له مزيد الاجتهاد والحظ بهذا العلم النافع المعين على سلوك طريقة الاستقامة فاذنت له ان يلبس

۷. جمال الدین عبدالرحیم الاسنوی، طبقات الشافعی، بیروت، ۱۴۰۷ هـ، ج ۱، ص ۳۴۲.

۸. حامدین فضل الله جمالی، ص ۱۴۴-۵.

۹. متن اجازه نامه را شیخ عبدالحق محدث دهلوی (م ۱۰۵۲ هـ) در الفتوحات المکیة و النیوضات المندیة، ص ۱۰۴ آورده است. نسخه منحصر به فرد این کتاب نفیس را در کتابخانه پیر ابوالحیر عبدالله جان نقشبندی، در پشاور، دیده ام. دهلوی در این کتاب یادداشت های علمی خود را در حین اقامت مکه مکرمه و مدینه منوره در سال ۹۹۹ هـ نقل کرده است. بسیاری از متون رسائل عرفانی را، که مؤلف نزد علمای حجاز دیده بود، در این اثر آورده است. نامه شیخ الشیوخ به امام فخر رازی نیز در این کتاب آمده است (ص ۱۰۱).

۱۰. در اصل: ذکر یا.

الخرقة و يتوب من اراد واجزت له ان يروى عني جميع مسموعاتي و مجازاتي و رواية مجموعاتي و من ذلك الكتاب المترجم بعوارف المعارف و ناولته ليروى عني الشيخ بهاء الدين هذا الكتاب بعد ان يطالعه و نسأل الله حسن الفهم والوقوف والله الموفق المعين للصواب و صلى الله على خير خلقه محمد و آله اجمعين.

و ذلك في يوم الحادى والعشرين من شهر ذى الحجة سنة سبع و عشرين و ستائة بركة حرسها الله تعالى في الحرم الشريف زادة الله تعالى شرفا و عزاً ثم باذن كتب و كتبه عمر بن محمد بن عبد الله السهروردى.

احفاد و مریدان شیخ بهاء الدین نیز در ترویج و اشاعه عوارف سهمی و نقشی داشته اند. قاسم داود خطیب آنچه (تلفظ امروزی: اُچ) که یکی از مریدان بیواسطه شیخ بهاء الدین بود، در ۶۳۹ هـ عوارف را به فارسی برگرداند که یکی از کهن ترین تراجم فارسی عوارف است.<sup>۱۱</sup> شیخ صدرالدین ملتانی م ۷۳۵ هـ) فرزند شیخ بهاء الدین درس عوارف می گفت.<sup>۱۲</sup> رکن الدین ابو الفتح فرزند شیخ صدرالدین ملتانی نیز عوارف تدریس می کرد. شیخ وجیه الدین سنامی (م ۷۳۸ هـ) در خدمت او عوارف را خوانده بود.<sup>۱۳</sup>

### فریدالدین مسعود گنج شکر

شیخ فریدالدین مسعود گنج شکر (۵۶۹-۶۶۴ هـ) از مشایخ کبار طریقه چشتیه است. خانقاه او در پاک پتن (پنجاب پاکستان) واقع است. او درس عوارف می گفت. خواجه نظام الدین اولیا پنج باب عوارف را در خدمت او خوانده بود (به دنباله مقاله). نظام الدین اولیا درباره شیوه او در تدریس عوارف

۱۱. نذیر احمد و سخاوت میرزا: «عوارف المعارف»، ذکر و نظر، علیگره، ژوئیه ۱۹۶۳؛

Nazir Ahmad: "The oldest Persian translation of the 'Awariful Ma'arif", *Indo-Iranica*, vol. 25, Dec. 1972,

نذیر احمد: «ترجمه قدیمی کتاب عوارف المعارف»، قد پاری، به کوشش سیدحسن عباس، تهران، ۱۳۷۱ ش، ص ۳۴۷.

۱۲. علاء الدین علی حسینی، خلاصه الانفاذ جامع العلوم (ملفوظات مخدوم جهانیان جهانگشت)، به تصحیح غلام سرور، اسلام آباد، ۱۹۹۲ م، ص ۲۹.

۱۳. حامد بن فضل الله جمالی، ص ۲۰۵.

می‌گوید: «چه بیان بود که ایشان [= گنج شکر] می‌کرد. آن چنان خود هرگز از کسی دیگر نیاید. بارها در ذوق بیان ایشان مردم چنان فرو می‌شد که تنابُرده شدی اگر همین زمان مردم ببرد نیکو باشد... چون این کتاب [= عوارف] به خدمت شیخ [= گنج شکر] آوردند همان روز پسری متولّد شد، او را شهاب‌الدّین لقب فرمود.»<sup>۱۴</sup> شیخ فریدالدّین مسعود نسخه عوارف از عصر مؤلف در اختیار خود داشت. وقتی او شیخ جمال‌الدّین هانسوی را خلیفه خود منصوب کرد، این نسخه به او مرحمت کرد. شیخ هانسوی آن را نعمتی بس بزرگ از مراد خود می‌دانست. شیخ هانسوی بعداً آن نسخه را به سلطان المشایخ نظام‌الدّین اولیا اعطا کرد و گفت: امید دارم کسی از اخلاف من در حلقه ارادت شما در آید و نعمتهای دینی و دنیوی که در اختیار شما هست از دادن آنها به او دریغ نکنید. چنانچه وقتی قطب الدّین منور نبیره شیخ جمال‌الدّین هانسوی به خدمت شیخ نظام‌الدّین اولیا رسید، شیخ نظام‌الدّین علاوه بر اعطای سایر نعمتها، نسخه عوارف نیز به او داد. میرخرد کرمانی (م ۷۱۱ هـ) آن نسخه را نزد نورالدّین فرزند قطب‌الدّین منور دیده بود که آن را با احترام و محبت نگاه داشته بود.<sup>۱۵</sup>

### نظام‌الدّین اولیاء بدایونی

سلطان المشایخ نظام‌الدّین اولیاء بدایونی (۷۲۵-۶۳۴ هـ) از مشایخ بزرگ چشتیه است و در دهلی مدفون است، او پنج باب اوّل عوارف را نزد شیخ فریدالدّین مسعود گنج شکر خوانده بود که شرحش پیشتر گذشت. ضیاء‌الدّین برنی (زاده ۶۸۴ هـ) در تاریخ فیروزشاهی از کتابهایی نام برده که شیخ نظام‌الدّین اولیاء به خواندن آنها توصیه می‌کرد. عوارف نیز جزو آنهاست. برنی گوید: «رغبت بیشتری متعلّمان و اشراف و اکابر که به خدمت شیخ [= نظام‌الدّین اولیاء] پیوسته بودند در مطالعه کتب سلوک و صحائف احکام طریقت مشاهده می‌شد و کتاب قوت‌القلوب و احیاء‌العلوم و ترجمه احیاء‌العلوم و عوارف و کشف‌المحجوب و شرح‌تعریف و رساله قنبری و مرصاد‌العباد و مکتوبات عین‌القضاة و لوائح و لوازم قاضی حمیدالدّین ناگوری و فوائد‌الفوائد امیرحسین به واسطه ملفوظات شیخ خریداران بسیار پیدا آمدند و مردمان بیشتر از کتابیان از کتب سلوک و حقایق بازر پرس کردند.»<sup>۱۶</sup>

۱۴. امیرحسین علاء سجزی، ص ۸-۱۲۷.

۱۵. میرخرد کرمانی، سیرالاولیاء، با مقدمه عارف نوشاهی، اسلام‌آباد، ۱۹۷۸ م، ص ۲۵۹-۲۶۰.

۱۶. خلیق احمد نظامی، ص ۴۰۳.

## رکن الدین کاشانی

رکن الدین بن عباد الدین دبیر کاشانی (زنده ۷۳۸هـ) وقتی در هند کتاب معروف خود شمائل الاتقیا را می نوشت، عوارف و ترجمه آن جزو منابع او بوده است.<sup>۱۷</sup>

## مخدوم جهانیان

مخدوم جلال الدین بخاری ملقب به مخدوم جهانیان (۷۰۷-۷۸۵هـ) ساکن اُچ نیز از مشایخ سهروردیه است. او در اُچ از محضر دواستاد شیخ جمال محدث خندان رُو و شیخ بهاء الدین قاضی اُچ استفاده کرد. شیخ جمال خندان رُو از مشایخ و علمای کبار اُچ بود. در حلقه درس او عوارف نیز تدریس می شد.<sup>۱۸</sup> مخدوم جهانیان در حین سیاحت به عراق رسید و در خدمت یکی از خلفای بزرگسال شیخ الشیوخ عوارف را تماماً خواند و نسخه عوارف به خط مؤلف با خود به هندوستان بُرد. در ملفوظات مخدوم جهانیان به نام خلاصه الالفاظ جامع العلوم که سیّد علاء الدین علی بن سعد بن اشرف بن علی القریشی الحسینی الدهلوی در ۷۸۲هـ گرد آورد، از زبان مخدوم مکرر سخنانی نقل شده که دلالت بر ارتباط عمیق مخدوم با عوارف می کند و معلوم می دارد که در خانواده مخدوم و سرزمین او - اُچ - این کتاب چقدر رواج داشت. مخدوم جهانیان در خلاصه الالفاظ جامع العلوم در موارد متعدّد مطالب عوارف را شرح داده است. چنانچه اگر کسی همه موارد مذکور را در یکجا گرد آورد، خود به خود شرحی مختصر از عوارف تهیه شود. باری ما از خلاصه الالفاظ جامع العلوم وقایعی را انتخاب کرده ایم که به موضوع گفتار ما مربوط است:

● [مخدوم جهانیان می فرمود: در مدینه] «... وداع کردم. شیخ مدینه عبدالله مطری و شیخ مکّه عبدالله یافعی و مشایخ دیگر نیز دعاگو را گفتند در زمین عراق به شهر شوکاره خلیفه شیخ الشیوخ مانده است. شیخ معمر شرف الدین محمود شاه تستری... او را دریاب... پس دعاگو بازگشت. هم چنین به زمین عراق رسیدم. در شوکاره نام شهری، آن بزرگ را دریافتم. خلیفه شیخ الشیوخ بود... آن روز که دریافتم صد و دو ساله بود. به مسجد جامع عصا به دست گرفته پیاده رفتی. دعاگو عوارف پیش او تمام گذاشت، به یک واسطه میان مصنف شیخ الشیوخ»<sup>۱۹</sup>

۱۷. رکن الدین کاشانی، شمائل الاتقیا، حیدرآباد دکن، ۱۳۴۷هـ، ص ۶.

۱۸. محمد ایوب قادری، مخدوم جهانیان جهانگشت، کراچی، ۱۹۶۳م، ص ۹۱.

۱۹. علاء الدین علی حسینی، ص ۴۲۲؛ همین مضمون در صفحات ۳۶۹ و ۳۸۷ نیز آمده است.

● [مخدوم جهانیان می فرمود:]: «دعاگو عوارف را پیش شیخ مدینه عبدالله مطری خوانده‌ام از اصل نسخه که پیش مصنف یعنی شیخ الشیوخ گذاشته است. بعد از آن شیخ مدینه عبدالله مطری در وقت وفات وصیت کرد که این کتاب عوارف را بر شیخ مکّه عبدالله یافعی رسانند و او گفت این عوارف را بر سید جلال الدین رسانند. پس شیخ مکّه عبدالله یافعی آن عوارف به دست حاجبی فرستاد و او به دعاگو رسانید. آن نسخه بر فرزندم محمود است. کسی را نمی دهد. این نسخه سخت موجه است. هیچ چیز در او کم و زیاد نیست.»<sup>۲۰</sup>

مخدوم جهانیان خودش نیز در اُج عوارف درس می داد و مطالب آن را مطابق با قرآن و حدیث شرح می داد. یک بار نجایی از عراق به خدمت او در اُج رسیدند. مخدوم جهانیان مهمان‌نوازی کرد و به آنان گفت: شما را هر دو ذوق میسر شده، ذوق معنوی که درس عوارف را استماع کردید؛ و ذوق صوری که شیرینی خوردید.<sup>۲۱</sup>

از ملفوظات مخدوم جهانیان بر می آید که زنان اُج نیز در درس عوارف شرکت می کردند. مخدوم جهانیان حکایت زنی دانشمند معاصر را بیان کرده که از زوجه مخدوم جهانیان سبق عوارف خوانده بود.<sup>۲۲</sup>

### دو نسخه «عوارف» هم‌روزگار مؤلف در شبه قاره

بیشتر گفتیم که به توصیه شیخ مدینه عبدالله مطری نسخه عوارف به خط شیخ الشیوخ برای مخدوم جهانیان به هندوستان فرستاده شد. نسخه‌ای دیگر را نیز که بسیار مهم بوده، شیخ حامد بن فضل الله جمالی دهلوی (م ۹۴۲ هـ) که از ارادتمندان طریقه سهروردیه بود، از بلاد عرب با خود به هندوستان بُرد. جمالی در سالهای ۸۹۷-۹۰۱ هـ در سرزمینهای اسلامی و حجاز به سیاحت می پرداخت و در بغداد یکی از خلفای شیخ الشیوخ به نام شیخ شهاب الدین احمد نامی را دید، که می‌بایست در آن زمان بسیار بزرگسال باشد. جمالی می‌گوید: «حضرت شیخ شهاب الدین احمد نسخه عوارف که از نظر مبارک حضرت سلطان المشایخ شیخ الشیوخ گذشته بود، مرا عطا فرمود و الآن آن نسخه در کتابخانه

۲۰. همانجا، ص ۳۴۱-۳۴۰؛ و نیز ۲۴ و ۴۱۹ که مخدوم جهانیان کراراً اذعان داشته است که به مدت یک سال نزد شیخ عبدالله مطری عوارف را خوانده است.

۲۱. محمد ایوب قادری، ص ۱۶۶-۱۶۳.

۲۲. علاء الدین علی حسینی، ص ۳۵.

ضعیف است.<sup>۲۳</sup> وقتی جمالی در راه بازگشت به ملتان رسید، به زیارت مزار بهاء الدین زکریای ملتانی نایل آمد و در آنجا با مولانا کمال الدین اُچی ملاقات کرد که «عوارف المعارف در اکثر جاها از بر داشتی»<sup>۲۴</sup>

### شرحهای عوارف

سید صدرالدین ابوالفتح محمد دهلوی معروف به گیسو دراز بنده نواز (۷۲۰-۸۲۵ هـ) حاشیه‌ای بر عوارف نوشت.<sup>۲۵</sup> علی بن احمد معروف به مخدوم علی مهائمی (۷۷۶-۸۳۵ هـ) شرح عربی بر عوارف دارد به نام الزوارف که نسخه‌های خطی آن در کتابخانه‌های آصفیه، حیدرآباد دکن و رضا، رام‌پور و خدابخش، پتنا موجود است.



۲۳. حامد بن فضل‌الله جمالی دهلوی، سیرالعارفین، خطی، گنج‌بخش، اسلام‌آباد، شماره ۳۷۶۵، ص ۲۶، در ضمن شرح احوال بهاء الدین زکریای ملتانی.  
۲۴. همانجا، ص ۵۲-۵۳.  
۲۵. خلیق احمد نظامی، ص ۲۶۱.